

مهمترین وظیفه کنونی

مبارزات خود بخودی طبقه کارگر وطن مائوسی... مبارزات خود بخودی طبقه کارگر وطن مائوسی... مبارزات خود بخودی طبقه کارگر وطن مائوسی...

مبارزات خود بخودی طبقه کارگر وطن مائوسی... مبارزات خود بخودی طبقه کارگر وطن مائوسی... مبارزات خود بخودی طبقه کارگر وطن مائوسی...

پرونده‌های جهان در اندوه مرگ آموزگار و رهبر کبیر خود سوگواری

در هفته‌های گذشته کارگران و همی زحمتکشان و احزاب و گروه‌های کومینستی... در هفته‌های گذشته کارگران و همی زحمتکشان و احزاب و گروه‌های کومینستی...



شادی خود را با آنها گشته... شادی خود را با آنها گشته... شادی خود را با آنها گشته...

رفیق مائوسه در روزهای گذشته... رفیق مائوسه در روزهای گذشته... رفیق مائوسه در روزهای گذشته...

وحدت گروه پویا (ادامه گروه فلسطین) و سازمان انقلابیون کومینست (م-ل)

پس از یک دوره فعالیت مشترک و همکاری‌های ایدئولوژیکی... پس از یک دوره فعالیت مشترک و همکاری‌های ایدئولوژیکی...

به همکاری و همسویی فرا میخواند... به همکاری و همسویی فرا میخواند... به همکاری و همسویی فرا میخواند...

اتحادیه کومینستهای ایران... اتحادیه کومینستهای ایران... اتحادیه کومینستهای ایران...

پیرامون "کنفرانس رامسر"

در شهر ریورامه نهمین کنفرانس آموزشی رامسر... در شهر ریورامه نهمین کنفرانس آموزشی رامسر...

نظام آموزشی ملک‌تار با بحرانی شدید که شاید

هم از حالت تکوین خارج شده و به حالت انفجار آمیز... هم از حالت تکوین خارج شده و به حالت انفجار آمیز...

بی‌امان غارت می‌کنند

در مرداد ماه امسال ۵۸ درصد سال پس از... در مرداد ماه امسال ۵۸ درصد سال پس از...

بسته شدن قرارداد پنهانی و خانقانه ۱۹۹۱ میلادی... بسته شدن قرارداد پنهانی و خانقانه ۱۹۹۱ میلادی...

و این است-علت اصلی و اساسی روی آوردن اقتدار تاکنون خفته‌ای از بورژوازی ملی و خرده بورژوازی مرفه بصفت مخالفین رژیم. بهر رو آنچه هست این است که صف مخالفین وضع موجود از هر گروه و دسته روز بروز در حال گسترش است و این امر نشان میدهد که شرایط برای انجام اولین و فوری ترین وظیفه‌ای که در مقابل جنبش انقلابی وطن ما قرار دارد برای سرنگون ساختن رژیم فاسد و گندیده حاکم از هر زمان دیگر آماده تر است. از ۲۸ مرداد ۳۲ تاکنون هرگز جنبش مردم از لحاظ عمق و گسترش و محتوی به این پایه نرسیده و بوده است. بحران اقتصادی کشور همانسان که از یکسو صدها هزار نفر از مردم ما را از هستی ساقط کرده برزنگی را برای توده‌های زحمتکش و فقیر مردمان برانگیخت خیرقابل تحمل ساخته و از سوی دیگر نیز خشم و تنفر خلق را تشدید کرده و خواست مبارزه و براندازی رژیم را در میان طبقات و اقشار خلق عمق بخشیده و صف مخالفین شرایط موجود را گسترده و گسترده تر کرده و در یک کلام شرایط را برای درهم کوبیدن این بساط پدید آمد و ستم از هر زمان دیگری آماده تر کرده است. اما درست در رابطه با همین شرایط به دو نکته بسیار مهم باید توجه داشت: ۱- اینکه براندازی این رژیم به نوعی که بهرحال بسا وجود در گریز بودن در یک بحران خوردکننده و نداشتن هیچگونه پایگاهی در میان مردم دارای ابزارهای سرکوب است و تکیه به اربابان امپریالیست خود دارد در گرو گردآوری نیروهای خلق و همسور کردن مبارزان تشان و رهبری درست این مبارزات تا پیروزی نهایی است. بر انداختن رژیم سلطنتی - فاشیستی حاکم و کسب آزادی و دموکراسی و استقلال ملی و نیاز به بسج و واحد ساختن همه زحمتکش ایران - و دیگر تهرهای خلقی جامعه و درگیر ساختنشان از یک نبرد مسلحانه توده‌ای و رهبری این مبارزه ی عظیمشان تا درهم کوبیدن آخرین سنگ مقاومت ار - تجاع و امپریالیسم در ایران دارد و این کاریست که تنها و تنها از یک حزب کمونیست راستین ساخته است و بس.

۲- اینکه تجربه نشان داده که همیشه در آستانه ی بحرانهایی بزرگ اجتماعی و در صورتیکه نیروهای انقلاب بی و پیش از همه کمونیستها آماده و متحد نباشند و در صورتیکه حزب کمونیستی برای بهره گیری از شرایط آماده و بسج و متشکل کردن خلق و رهبری مبارزاتش وجود نداشته باشد بزرگترین خطری که سرنوشته و آینده ی نهضت توده‌ای مردم را تهدید میکند اصلاح طلبی بورژوازی و لیبرالیسم است که همیشه چون میبد و آب را خالی ببیند با ارمناهای سازشجویانه خو با رهنمائی های محکوم به شکست خویش وارد میدان شده و مبارزات مردم را به گورهای شوم که پایانشی سلاح خانه های رژیم است خواهد کشانید. لیبرالیسم و فرقه‌پرستی همیشه این چنین فرصتها را غنیمت شمرد با رجزخوانیهای قلابی و توخالی خود توده ها را فریب داده و با سازش و مصالحه با ارتجاع حاکم و جنبش زجربران را به بیراهه می کشانند. و امروز در وطن ما چنین حال و هوای احساس بیثباتیست مردم ما امروز خطرات بسیاری تهدید میکند که یکی از این خطرات نیز از جانب همین اقتدار لیبرال و فرقه‌مبستی است که در اثر ناراضی از وضع موجود و واقع نبودن به سهمیه کثونی به صف مخالفین رژیم پیوسته اند. روشن است که در صورت نبودن یک رهبری قادر و یک برنامه انقلابی اینان در صفوف زحمتکش نفوذ کرده و برای خود پایه هایی دست و پا خواهند کرد و گشت ندارد که او رها نند جنبش از منی سازشکارها و اصلاح طلبی بورژوازی و بالودنش از این آلودگی در صریح رهبری بورژوازی و قشرهای دنباله روشن درجا- معه تشبث شود. درود چند ان در نوارتر خواهد بود چراکه گند که از اینک نسل امروزین مردم ما را به تکرار دوباره ی تجربیات تلخ گذشته و امید ارد باثباتیت خود در جامعه و زمینه ی بسیار مساعدی را برای رشد و توسعه ی گرایشهای اپورتونیستی و آسنی جویا در درون جنبش کمونیستی و انقلابی ما بوجود میآورد و در نتیجه مراتب از برزندگی نهضت و از توان پیشروی آن و از قدرتش برای بریز بال گرفتن نهضت رد اسی بخش طبقاتی کارگر و مردم ایران خواهد کاست و معلاوه خود محلی خواهد شد برای به بازی گرفتن نند ن جنبش دموکراتیک ملی مردم از سوی نیروهای امیر- پالیستی نیوانی چون سوسیال امپریالیسم شوروی که

همیشه در مجادلات شوم خود با نیروهای امپریالیستی حاکم از تزلزل و سازشکاری و بی اعتمادی بورژوازی به خلق برای پیشبرد مقاصد خود سود میجویند و در آخر پانفاق مرتجعین حاکم جنبش را از درون مثلا نمی میکنند. در یک کلام باید گفت که اگر جنبش کمونیستی وطن ما بتواند - که با شرایط امروزین بسی نرید نخواهد توانست - نهضت در حال پایگیری مردم ما را در برابر این بیماری خطرناک قطعین کند گندیسها و گزنه جنگال را بار دیگر بر حلقوم جنبش خواهیم دید.

در همین جا باید به خطر هر روز فزاینده ی بورژوینیستها اشاره کنیم. فشار بورژوینیسم بین المللی که از پایگاه وسیعی در روسیه برخوردار بوده و بلاؤ مورد تأیید محافظ بقول خودشان "بورژوازی بین المللی نیز میباید در سالیهای اخیر افزایش یابد - فته و خطر جدی بی برای همه ی جنبشهای رهائی - بخش و از جمله جنبش ما به حساب می آید. نه تنها به این خاطر که بورژوینیسم به عنوان یک روند بورژوازی در جنبش کارگری بین المللی به بال ویر گرفتن پیروزها ها و آسنی جویان در جامعه یاری رسانده و با فراهم کردن شرایط بی خبری و خودی و انفعال در میان توده های زحمتکش راه را برای تجدید قوای نیروهای ارتجاعی فاشیست فراهم میکند و بلکه همچنین بدین خاطر که بورژوینیسم محاصره ی عظیم عام و بورژوینیسم بومی کمیته مرکزی بطور خاص بمشائدی در نتیجه ی سیاست تزارهای نوین روس و کارگزاران یک قدرت عمیقاً توسعه طلب امپریالیستی خواهد کوشید تا جنبش رهائی بخش مردم ما را در کارزار قیامت و جدال خانمان برانداز امپریالیستهای روس و آمریکا به وجهه المصلحه شی تبدیل کرده و دست آخر آنرا در جنگال اسارت شوم خود خفه و نابود سازد.

بورژوینیستها "کمیته مرکزی" که تا پیش از نندید رقابت ارباباناشان با اربابان محمدرضا شاه رووندن شرایط بحرانی در جامعه یای را از حد تنها برای گرفتن اجازه ی برگشت به ایران با هر خواری و مذلت فراتر نمیکشند و ناگاه به فکر "سرنگون کردن رژیم افتادند و همزمان با آن حمله ی تبلیغاتی وسیعی را علیه کمونیستهای ایران آغاز کردند. خطراتین خودفروختگان برای نهضت مردم ما امروزین افزایش میابد و اینرا

از هم اکنون میتوان گفت که نفوذشان در جنبش مردم - کراتیک و استقلال طلبانه ی وطن ما - که در صورت پراکندگی کمونیستها و نبود حزب راستین طبقاتی کارگر حتی است - کمر جنبش را خواهد شکست و آنرا به محسلی برای نفوذ و دست اندازیهایی سوسو سیال - امپریالیسم مکار و حریص روس تبدیل خواهد کرد و راه معاملات با ارتجاع سفاک حاکم را باز خواهد گرداند و انقلاب مردم ما را برای چندین سال دیگر باز به عقب خواهد انداخته و باز باید بگویم اگر جنبش کمونیستی وطن ما بتواند - که با شرایط امروزین بسی نرید نخواهد توانست - نهضت در حال پایگیری مردم ما را در برابر خطر انخیزت مهاجم بورژوینیسم مسلح کند، هبها و گزنه قاتل برنای جنبشمان را در زیر فشار خردکننده ی حلقی شاخکهایش خمیده خواهیم یافت.

گفته شد از این خطرهای بیرونی و جنبش کمونیستی وطن ما در درون خود نیز پیرایشانی و آشفتگی دست به گریبان است. انحرافات ایدئولوژیکی راه پیشرفت آنرا با سنگلاخها و موانع متعددی روبرو ساخته است. هنوز بسیاری از تعامیر بورژوینیسم معاصر از اوضاع جهانی و داخلی و در درون محافظ متشدک از کمونیستهای ایران پایه دارد و ضعف تئوریک و کم توجهی به لزوم پالیسی جنبش از این آلودگیها بسیاری را در راهائی از این وضع ناتوان ساخته است. سکتاریسم، جرگه طبعی و صفتی گری و منسی جریکی به عنوان انحرافات داخلی و جنبش کمونیستی وطن ما را از رسیدن به سیاست و برنامه‌ی برای وحدت باز میارند. باید دست از تعصبات برداشت. باید منافع گروهی را زیر پا گذاشت. باید از سکتاریسم و از ذهنی گری و از غرور بیجا دوری جست. باید در اندیشه ی سرنوشته جنبش مردم بود. باید به هیچ تنیدنیج جز منافع خلق. باید بسا ایمان خنده شایه بود این اصل مسلم که بدون رهبری حزب کمونیست جنبش سرنوشته ی جز شکست نخواهد داشت. به تدارک برای ساختمان آن پرداخت.

افراد هسته ها و گروهها و سازمانهای کمونیستی در وطن ما بسیارند. امروز کمونیستها در وطن ما نیروی وسیع و پراهمتی را تشکیل میدهند. گفته شد از این کمونیسم در سایه ی محاهدتها و جانفشانی

این پس حتی برای یک لحظه فعالیت عوامل مخرب و ضد ملی و ضد انقلاب ایران تحمل نخواهد شد. همین ارجیف در کفران پیش از زبان محمد رضا شاه بدین صورت تکرار شده بود که "چطور ممکن است در این اجتماع فردی پیدا بشود که بخودش اجازه دهد که دو کلمه ضد میهنی اظهار کند و چطور یک عده ناظر این کارها هستند. بعد از همان کفران سه هم توره نوکر در یک امپریالیسم اقبال سراسیمه از سفر آمده بود تا از دیگر تادیب و تحریکات علی خود شنارد و روی اعتصابات و اعتصاب شکی هایش در هنگامی که رئیس دانشگاه تهران بود توضیح دهد. نگرانی گردانندگان ارتجاع ایران از جنبش روبروشد دانشجویان و دانش آموزان وطن ما تا بد انجاست که در گزارش یکی از کمیته های کفران راسر ساله ایجاد بی نظمی و شرکت در نظر هرات بعنوان یکی از موارد مهم تمام رسانی" در وضع آموزشی کشور ذکر شده است. ازجز - ثبات نقشه های هیئت حاکمه برای مقابله با نهضت دانشجویی وطن ما در سال جاری در قطعنامه های کفران و سخنرانیهای گردانندگان آن ذکر میمان نیامده است. همین قدر از روی مسیر فعالیت تا به امروز رژیم میتوان گفت که تلاش خواهد کرد تا دامنه ی اختناق و فشار پلیسی فاشیستی را در دانشگاهها افزایش آید و فعالیت ساواک را بیشتر کند. بحلا و اسال شامبا یک سری نغمه های از پیش ساز شده به استقبال سال تحصیلی میروند. در تابستان اسال علاوه بر تکراریه ی دانش آموزان و تبلیغ اینکه آنها آزادند "و باید در شریک سیاسی کشور" شرکت کنند و در روغ بپوشمانی برای فریقین دانشجویان بین نیست به اقدامات دیگری نیز دست زده است. از جمله میتوان به برگزاری وسیع اردوها ناستانی و اشافه ی باز هم بیشتر فرهنگ امپریالیستی و ایجاد تمهیلات تازیش برای درغلطیدن دانش آموزان بدامان آن اشاره کرد.

اکنون که اوضاع اقتصادی کشور سخت بحرانی است و دانشی ناخشنودی مردم پشت در حال گسترش است، رژیم نیازمند یک تبلیغات و کارزار ایدئولوژیک متمرکز و با نقشه است تا هم از سوی با افکار انقلابی و

نی های رهروانش در میان مردم ما دارای حیثیتی اقتدار آمیز است. سالیاست که کمونیستهای وطن ما رویاروی یا رژیم دست نشانده ی پهلوی میجنگند و شهید و اسیر میروند. کارگزاران امپریالیسم در ایران وطن ما را به قلنگاه و اسارت یکی کمونیستهای تبدیل کرده اند. رژیم نیکبشار شاه طی چند سال اخیر صد ها کمونیست را در میدانهای اعدام و در خیابانها بگلوله بستند یا در شکنجه گاههای زجرکش کرده و هزاران کومونیست را به بند اسارت کشیده. اما یاد این امر غرور انگیز است که علیرغم همه ی این نیکبهارها و وحشی گریها، جنبش کمونیستی در روز بروز نیروهای بیشتری را در درون خود بسج و آماده ی بیگار کرده است. امروز در هر گوشه ی ایران حتی در شهرستانهای کوچک میوان اثر گرایش جوانان را به کمونیسم به روشنی دید. شاید شهرستانی را در ایران نتوان سراغ گرفت که یک یا چند هفته کمونیستی در آن مشغول فعالیت نباشند. نیروی جنبش کمونیستی ما بسیار گسترده و انبوه است لیکن این نیروی انبوه بهار نشی پراکنده مانده است. انحرافات ایدئولوژیکی و تراسی بطنهای فکری مختلفه منی های سیاسی گونه گون و حاصلش نبودن یک سیاست و برنامه ی عمل واحد و این جنبش عظیم را در پراکندگی و بناچار ناتوانی تنگدانه شده و سنگ به سر راه وحدت منی اندازد. و این در شرایطی که از یکسو ضرورت این وحدت اینهمه دلسوس احساس میشود و از سوی دیگر مصالح اولیبه - ان نیز به حد کمال آماده است و بیانگر هیچ نیست مگر بی توجهی و سهل انگاری و ناتوانی آنهایی که در پیشاپیش این نیروها قرار دارند و آنهاست که حق پیشگویی برای خود قائلند و آنهاست که در بخش نظرات خود کوتاهی میکنند. برای پاک کردن جنبش کمونیستی از انحرافات و گرایشهای نادرست روی متحد کردن ارتش را بکنده ی کمونیستها و پیوسته آوردن ستاد رزمندی روبرواری ایران نیاز به تلاش وسیع و بی شایه از جانب همه ی کمونیستهای ایران است. تلاشی که حاصلش حزب طبقه ی کارگر ایران باشد و این میرترین وظیفه ی امروز ماست. چراکه برای مبارزه با تمام بیراهه هائی که جنبش مردم ما را تهدید میکند، برای یابن توان بهره گیری از نر - یط مناسب کثونی جامعه - که هر روز نیز مناسب

آزاد یخواهانه مقابله کند و هم اندیشه های سموم و کثیف و مرتجعانه ی خویش را در قالب "قابل پسندی" به مردم عرضه دارد. کفران اخیر راسر میخواست تا به این مساله هم پاسخ گوید. اینکه نمایندگان کارگران را هم در این کفران آوردن بودند و اینکسه مگر اشاره شد "باید مردم را از نوبت تربیت کرد" و از نوبت باره مبانی انقلاب شاه و مردم آموزش داده همه نشانه ی این است که برنامه ریزی ایدئولوژیک و تبلیغاتی ایمن کفران ایجابی بیس و همی از دانشگاهها و مدارس کشور دارد و متوجهی وسیعتر است. جزئیات این برنامه ریزی را تا آنجا که از ابلاوی مطالب درز کردیم جراید میتوان فهمید چنین است: ۱- گسترش فضای رستاخیز" یا بهتر بگویم شبکه ی سازمان امنیت. همین هدف در کفران پیشین نیز دنبال شده بود و برای بطل در آوردن بنا بر تهریزی هم صورت گرفت. یکی این بود که دانش آموزان و دانش جویان را در "شعبه ی حزب" رستاخیز" متشکل کرده و آنها را بزرگترین شکی تبلیغاتی و تقشیش قیامد برتوشه ی شیبستی "رستاخیز" راورند. دیگری ایجاد سیستمی از راهنمایان بود که ظاهرا قرار است دانش جویان را برای "انتخاب راه درست زندگی" و "تحصیل" راهنمائی کنند اما در واقع ما بران تبلیغاتی و تقشیش ساواک اند. باهکی در کفران از این شکایت کرد که راهنمایان موفسقی نبودند و "ناتوانی راهنمایان در امر مسائل اجتماعی و مرای دانشجویان بیشتر است زیرا راهنما غالباً مسائل ملکی رابخوی نمیشناسند و گاه از تمبیر و غیرت و توسع مسائل احتمالی برای دانشجویان عاجز میمانند و بیشتر از همه اینکه روحیه بی تفاوتی مانع از آن میشود که درامی با جدیت و خلوص نیت با دانشجو مواجه شود. "بسه همین دلیل نیز تاکید شده که در سال آتی باید "راهنما" راز نوبت تربیت و همه ی کارگاهها و مراکز آموزشی نیز تکمیل داشت.



### اخبار جنبش کارگرنی

#### گزارش اعتصاب کارگران گروه صنعتی بهشهر در سال جاری

در روز دوشنبه دوازدهم اردیبهشت کارگران کارخانه بسته بندی ایران از گروه صنعتی بهشهر دست به اعتصاب یکروزه برای اضافه دستمز زدند. در طی این اعتصاب اعلامیه‌ای از طرف کارگران پستی گردید که طی آن دولت ضد کارگری شاه محکوم شده بود.

سپس کارگران قسمت تراشکاری گروه صنعتی بهشهر با خواست اضافه دستمز ۵ ابتدا بدست ۳ روز در تیر ماه و بعد بدست ۴ روز از اول مرداد ماه دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کارگران با پیروزی پایان یافته و دستمزها بالا میبورد.

کارگران بسته بندی ایران بار دیگر در بعد از ظهر روز دوشنبه ۸ شهریور بند پیچ دست از کسار کشیدند. اعتصاب در روز سه شنبه همدی کارخانه را در بر گرفت و حتی تعدادی کارمند آن نیز بدان پیوستند. بعد از ظهر همان روز سه شنبه کارگران قسمت روغن پرکنی هم دست از کار کشیدند و به اعتصاب پیوستند. روز بعد اعتصاب یکپارچه و همگانی همه گروه صنعتی بهشهر را که شامل بخشهای بسته بندی صنعتی و پاکسان است فرا گرفت. بدنبال همگانی شدن اعتصاب مسئولین کارخانه تلاش میبویانند برای پایان دادن به اعتصاب آغاز کردند. همانند قبلی کارگران همزمان با کارفرمایان به دست و پای کارگران افتاده و با عجز و لایه از آنها میخواست که بسر کار بروند. اما کارگران گوششان به این التماسها بد هکار نبود. یکبار که این نماینده می طلبی از کارگران خواست که احترام مهندسین کارخانه از زمین برخیزند، یکی از کارگرانی که بر روی زمین نشسته بود فریاد زد که: ببخشید! شکم گرسنه اجازه احترام گذاذن برای منده!

سرانجام کارگران موافقت کردند که یک مهلت ۲۰ روزه به کارفرما برای اجرای خواسته هایشان بدهند. بدین ترتیب اعتصاب کنندگان از ظهر چهارشنبه پیروزیندانه به سر کار بازگشتند ولی عموماً به کم کاری پرداختند. خواسته های کارگران در این اعتصاب بزرگ عبارت بود از اضافه دستمز همزمان ۳۵٪ و حقوق سکن با نرخ روز و روزی ۳ ساعت اضافه کاری مقطوع.

روز دوشنبه ۱۵ شهریور اعلامیه‌ای در کارخانه پخش شد که کارگران را دعوت به یک اعتصاب همگانی مینمود. زنده باد وحدت و همبستگی کارگران اعتصابی! سرنگون باد رژیم ضد کارگری و خائن شاه!

اعلامیه‌ای که در زیر میخوانید، بوسیله کارگران اعتصابی گروه صنعتی بهشهر خطاب به برادران کارگر خود در دیگر کارخانهها منتشر شده است:

(چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است) ما کارگران گروه صنعتی بهشهر (بسته بندی صنعتی و پاکسان) بعلت بی توجهی مسئولان بد درخواستهای ما که در رابطه با شرایط سخت و طاقت فرسای زندگی در این دوران تیره است، بار دیگر دست به اعتصاب زدیم. در چنین شرایطی که بواسطه وجود رژیم ضد خلقی، ما از داشتن حتی ابتدائی ترین حقوق صنفی نیز محرومیم و وزارت کار و نمایندگان قلابی آن با بیجادهای بیش در دست سرمایه داران در زمینند، تنها از طریق متحد کردن خود و منفرد کردن جاسوسان کارفرما و اعتصاب یکپارچه می توانیم بخواسته های خود برسیم. ما تنها با اتحاد همه جانبه خود می توانیم بمقابله چپا لگرنای چون لاجوردی های ثابت باسال ها، رضای بی هوایه که هگی نوکران دست بسته سرمایه داران بیگانه هستند برخیزیم. پس رفا بکوشیم با وجود اورنگ تشکیلاتی واحد به تصفای طولانی تری کدر این مرز و حله از مبارزه تنها سلاح ما کارگران و رنجبران می باشد دست یابیم.

درد فراوان ما به رفقای مبارزمان در سایر کارخانهها، گرامی باد خاطره شهیدانی که در راه آزادی طبقه کارگر جان خود را فدا کردند. برقرار باد پیوستند و همبستگی خلقهای زحمتکش ایران. نابود باد حکومت دزدان و غارتگران. (همبستگی ما ضمان پیروزی ماست.)

#### گزارش اعتصاب کارگران جیت تهران

کارگران کارخانه جیت تهران در تاریخ پنجم اردیبهشت بدست ۱۵ روز دست به اعتصاب زدند. این کارخانه دارای سه شیفت است که در هر شیفت آن قریب یکپنجاه کارگر کار میکنند. کارگران شب کار اعتصاب شروع کرده و قرار میبود که بقیه کارگران سر موقع شیفت خود بدانها پیوستند. ارتش بلافاصله ازجریان اعتصاب با خبر شده و همانشب در ساعات ۱۱ حمله کرد و کارخانه را محاصره میکند. هنگامیکه کارگران حمله کرد بسرکار میمانند، پلیس و سربازان از ورود آنها بداخل جلوگیری کرد و کارگران هم جگلی برقی لبهی جوی آب کنار کارخانه مینشینند. مدتی بعد کارگران عصرا گم بد آنها پیوستند و بدین ترتیب همدی سه هزار کارگر جیت سازی متحدانه و یکپارچه در این اعتصاب شرکت میکنند. هزارتن از آنان از داخل کارخانه را اشغال کرده و بقیه برون کارخانه جمع می شوند و اعتصاب بهمین وضع ۱۵ روز ادامه میابد. در تمام این مدت مردم و از جمله دانشجویان با کارگران اعتصابی غذا میسرانیند و همبستگی زیادی با آنان نشان میدادند. همچنین همزمان با این اعتصاب اعلامیه هایی درباره ی آن در خیابان عباسی (انتهاپی نواب) و خیابان مولوی پخش گردید. در خیابان عباسی گروه ۱۵ تا ۲۰ نفره از دانشجویان در حالیکه پلاکتهای جویی در دست داشتند جمع شدند و پس از پخش مرقه ای اعلامیه و دادن شعار پراکنده میشوند. شعارهایشان همه در همبستگی با کارگران بوده و مرقه رایه هگلری و کلمه رسانیدن به کارگران فرامیخواهد. نده اند. زنده باد وحدت و همبستگی دانشجویان با کارگران! در طی مدت اعتصاب کارگران غالباً بیست پنجره های کارخانه نبوده و توریهای حفاظی آنرا نیز از جای کنده بودند. گاه گاه بین افسران ارتش و کارگران مشاجرات لفظی در میگردت. افسران بکارگران میگفتند که خواسته های شما موقعی انجام میشود که شما از کارخانه خارج شوید. کارگران هم که دست آنها را خوب خوانده بودند میگفتند "ما تنها زمانی دست از اعتصاب میکشیم که سایر رفقای ما هم بتوانند وارد کارخانه شوند". هدفشان هم این بود که کارخانه را کاملاً اشغال کنند.

بدنبال اعتصاب کارگران جیت تهران سایر کارگران نساجی های تهران و از جمله کارخانه های اطلس و دو کارخانه یارچه باقی در خیابان رزم آرا نیز دست به اعتصاب میزنند. آنها در عین حال منتظر پیوستن رفقای کارگریوی تهران و مگر که در نزدیکی کارخانه نهدی جیت سازی تهران واقفند و بودند که متأسفانه انجام نگرفت. گویا در فروردین مقداری از اضافه کاری و حقوقهای عقب افتاده ی شش ماهه ی کارگران مگر را یکجا برداخته بودند و بدین ترتیب موقتاً کارگران را تا حدودی راضی کرده بودند. البته این طلب از زبان یکی از رفقای جیت تهران شنیده شده و بیتر از آن اطلاعی در دست نیست.

در مدت پانزده روز اعتصاب زنان و کودکان کارگران هم در برون کارخانه جمع شده و برای آنها غذا می آوردند. سرانجام در ساعت ۱۲ شب پانزدهمین روز اعتصاب ارتش با گاز اشک آورنده به کارگران حمله کرده و آنها را کتان کتان به زور سرزیده از کارخانه خارج میکند. بوقلمی در حدود ۲ تن از کارگران در لیدر این حمله ی جنجالی شهید میشوند. عده ی زیادی را دستگیر کرده و بسیاری را اخراج و از بقیه هم تعهد میکنند و کارخانه راهم برای یک هفته تعطیل میکنند. بدین ترتیب اعتصاب بیش از سه هزار کارگر در تهران نیز آغاز میابد. درود به شهیدانی که قربان کارگری، به کارگران دستگیر شده که دلیرانه مقاومت کردند، به همدی کارگران حق طلب کارخانه جیت تهران! به پیش برای ایجاد تشکیلاتی انقلابی، حزب طبقه ی کارگر در میان کارگران!

بقیه اعلامیه ... راهی برای رهایی خویش، خواهان آزادی و دموکراسی، تشنه ی آموزش سیاسی، آگاهی و راهیابی، اتحاد و تشکیلات و مبارزه و رهایی اند.

در سلهای اخیر با رشد جنبش خود بخودی کارگران، افزایش تعداد اعتصابات و بالا رفتن سطح ناخشنودیدرمان قشرهای وسیعی از طبقه کارگر در برابر کز صنعتی کشور، طبقه ی کارگر خود را برای احیای مبارزات توده ی سیاسی خویش علیه استبداد و امپریالیسم و برای کسودن راه بسوی سوسیالیسم آماده میکند. ناخشنودی از وضع موجود و حرکتی افراطی در میان

زحمتکشان شهر و روستا پایه میگرد و بطور کلی مقاومت توده های مردم در برابر حیران وسیعی که هم اکنون همدی "ظلم" جامعه را تهدید میکند و در برابر مستکرمینها و بیبداد طبقات حاکمه وصال کوحشی رژیم فاسد و دست نشانده سلطنتی افزایش یافته و به صور گوناگون خود را بروز میدهد. زمینه مساعدی که در دوامده سال اخیر مانند نداشتنه برای درآمیختن جنبش کمونیستی با مبارزه ی طبقه ی کارگر و مبارزه ی مردمی های متحد بدی مردم و برای متحد شدن مردم ایران تحت رهبری یک حزب کمونیستی بدیدار گشته است. ضرورت پیدا شدن یک سناد انقلابی که به گرد آن همه ی کارگران و به گرد طبقه ی کارگر همدی توده های متحد بدی مردم ایران حلقه زده و نیروهای پراکنده ی کوهی خود را تحت فرماندهی آن یکجا و در زیر پرچم آزادی و رهایی کشور به نبرد قطعی برخیزند، بیش از پیش و به طرز در تانگی احساس میشود.

پراگندگی و تشتت صفوف جنبش انقلابی ایران و بویژه نبود حزب مارکسیستی - لنینیستی طبقه ی کارگر در ایران - که تنها ستادی است که توانائی سازمان دادن و رهبری این مبارزه ی بزرگ را دارا میباشد - دشواری عظیمی را در برابر گسترش و ارتقا "سطح جنبش انقلابی و حرکت پیروزنده ای مردم علیه دار و دسته ی حاکم و امپریالیسم بدید آورده است. مایه این آژوش حیدر عیواضی رهبر بزرگ جنبش کمونیستی و کارگری ایران که گفت "بدون رهبری حزب آزادی کشور امکان پذیر نیست" عمیقاً باور داریم و دهها سال تجربیات مثبت و منفی نبرد های رهایی بخش مردم مین مان نیز در رسی و حقیقت این حکمگواهی داده است.

طبقه ی کارگر و مردم ما تنها با داشتن حزب کمونیستی است که خواهد توانست از درون قوای پراکنده و غیر متشکل ولی آماده به یکپار گونی خود، که در زیر قمار و قهر سیاسی رژیم و ترو اید تلوژیکسی از فرهنگی طبقات حاکمه دست و پا میزنند، آنچنان قدرتشهاک و برانگیزی را بدید آورند که دشمن غسما ر حاکم راهروند هم که شمرکز و سفاگانه عمل کنده یارا و توانائی مقاومت در برابر آن نباشد.

طی ۲۳ سالی که از شکست استراتژیکی جنبش دموکراتیک وطنی مردم ایران در ۲۸ مرداد ۳۲ می گذرد، و محافل و گروهها سازمانهای انقلابی و کمونیستی بسیاری بوجود آمده اند که در انتشار ایده های مارکسیسم لنینیسم و جلب نیروهای تازه ای از میان روشنفکران و کارگران بیسو بسوی کمونیسم و ریشه دار کردن جنبش کمونیستی و احیای سنن انقلابی آن در دل نسل کوهی نقش بسزائی داشته اند. طسی این مدت گروههای متعددی از کمونیستهای ایران زیر فشار ترو و اختناق حاکم از میان رفتند. زندانها و سیاهالهای رژیم از کمونیستها و بیوران دیگر روند های انقلابی و مترقی کنده گشت، و صدها تن از پیوندگان راه پرولتاریای ایران شهادت رسیدند. لیکن با وجود ۵۰۰۰ تن این تلفات و با وجود آنکه رژیم استبداد و ترو حاکم - بویژه در این دهه و دوازده سال اخیر - به وحشیانه ترین شیوه های سرکوب توسل جسته جنبش کمونیستی همچنان به رشد و بالندگی خود ادامه داده است. اکنون جنبش پهنای آری از کسب نیستها در سراسر مینمان جریان دارد. اندیشه های رهایی بخش مارکسیسم - لنینیسم هم اکنون دیگر قشر وسیعی از روشنفکران و جوانان تحصیل کرده ی طبقات مرتزی را زیر نفوذ گرفته و نیز بخش معینی از کارگران پیشرو را بسوی خود جلب کرده است - قوای که از اعتبار قابل توجهی نیز در اذهان توده های کارگری و مردم زنجید بدی ما برخوردار است - و در حالیکه جامعه ی ملتهب ما چون کوهی نشسته از بسود حزب انقلابی پرولتری خویش میسوزد و ظهور آن را با اشتیاق وصف ناپذیری طلب میکند، این قوا بسر برد کنده و ناسامان است. در حالیکه کمونیستهای ایرا طی دو دهه ی اخیر مبارزات خود در سخت ترین شرایط دیکتاتوری و با وجود در اند شهادت و اسیران بسیار همچنان استوار در برابر کارزارهای خویش و ترو سیاسی رژیم مقاومت کرده و حتی به طرز شگفت انگیزی به دامنه ی فعالیت خود گسترش نیز داده اند. هنوز نتوانستند خود را از پراگندگی و وسیع و ازخرب دکاری و پراکنده کاری ژرفی که همدی عرض و طول جنبش پهنای ما را فرا گرفته وارهاندند. هنوز دشواریهای تئوریک جنبش ما اساساً حل و فصل نشده اند. آشفتنگی اید تلوژیک و رخنه ی انحرافات غیر مارکسیستی

ضد مارکسیستی در صفوف آن موانع بزرگی را در برابر تکوین و شکل گیری یک برنامه ی سیاسی واحد، که جز بر آن پایه بریا گردد، وجود دارد است. هم اکنون جرگه طلبی در جنبش، افسه ی نسبتاً وسیعی داشته و انحرافات گوناگونی سر توت جنبش را تهدید میکند. از آن جمله محافل و گروههای معینی همچنان از منشی چریکی - که انقلابیون را زودتر جد کرده و از یکسو آنان را در جنگ تن بتن با حکومت رها کرد بواسوس بدیگر راه را برابری گسج اند پیشبازیراست و پیروزی کمونیستی در میان کارگران و توده ی مردم با میگذارد - دست بردار نشاندند. بد ترتیکه صفوف نهضت ماهوزان برد اشتها و تعابیر مجعول رویونیسم معاصر از اوضاع جانی کوشیدن پاک نندماست. حال آنکه تلاش رویونیستهای مرتد کمیته مرکزی برای رسوخ در جنبش انقلابی و جنبش توده های مردم و با تحریف کشاندن آن آنها تنها کاهش نیا - فته بلکه در سلهای اخیر با حمایت و پشتیبانی وسیعی که از سوی سوسیال امپریالیسم مکاروس در ریافت میدارند و افزایش نیل یافته است و بهمین آید که با وجود پراگندگی و بیروانکارگی وسیعی که در جنبش انقلابی قلابی و کمونیستی ماجربیان دارد و با توجه به باید ارماندن انحرافات غیر ضد مارکسیستی راست و چپ و سکوت اید تلوژیکسی و سیاسی بسیاری از محافل و گروههای زیرین در این عقال رویونیسم مرتد بین الطلی و داغ رنگ خوردگان ایدونیسم کهن فرصت یابند تا بدین رین صفوف جنبشها حردم طلب توده های مردم ما رخنه کرده و طبقه ی کارگر و مردم ما را که دیر با زاست زین فشار سهوا رسیال ترو اید تلوژیکسی و سیاسی طبقات حاکمه را از روی دست و یابی به ابزاری جهت متحد کردن اندین و فشردن صفوفی خویش میسوزند، بکراهی و بیراهی کشند و مبارزه ی خلقها قهرمان ما را برای دموکراسی و استقلال ملی بوجه المصاحم لصدی خود با سر بد اران چنانیکارگزمین و به وجه معامله ای در کارزار با قوت جویانی سوسیال امپریالیسم مکاروس با امپریالیستهای خونخوار آمریکائی و نوکران بیوشان تید یل کنند. به علاوه با تارک هرچه بیشتر مصالح بحران اقتصادی و سیاسی جامعه، ایران پیشرفت تضاد های درون طبقات حاکمه ی کشور همچنین با ورود قشرهای تاکنون خفته و از نهضت رویگرد اند می از صفوف بورژوازی و خرده بورژوازی مرقه به صفوف مخالفین رژیم - در حالی که این امر خودی خود می تواند دامنه ی نهضت دموکراتیک نیک وطنی را توسعه بخشیده و حتی در صورت وجود خز کمونیست دامنه ی تاثیر جنبش انقلابی و قدرت آنرا در جامعه افزایش دهد - بین میروود که در شرایط پراکنده ییراکنده کاری کوهی توجه بخش معینی از نیروهای انقلابی و کمونیستی به جرگه طلبی و محبلیت پراکنده ی جد از مردم پایگاههای اصلاح طلبی بورژوازی و مبارزات - سالمت جویانه در زیر رهبری بورژوازی و خرده بورژوازی مرقه در برابرت توسعه و قوام یافته و حتی بخش معینی از نیروهای کمونیستی و انقلابی کوهی را نیز برابریال خود کشاندند و یارد بگیرند. ما را در آن روبراهای شوکت - شته سرگردان دموکراسی ایران را با شکست مواجه سازد. ما باید بستفا کمونیستهای ایران به ضرورت زمانه و نیاز بسوی جنبش دموکراتیک مردم ایران بدید در راه هند ستم و همگامی و سرانجام وحدت صفوف جنبش پراکنده ی خویش چید اتلاش روزنده و در راه کارگردانند نندن طبقه کارگر گسترش آژوش و تبلیغات سیاسی در میان توده های مردم و وسیع یک جنبش انقلابی دموکراتیک در زیر رهبری مارکسیست - لنینیستی امکانات خود را یکی کنند. دست بغالقیتهای مشترک در عصر مبارزات روزمره و انقلابی مردم زده و متحد در مبارزات طبقاتی ملی شرکت کنند و نیز اختلافات اید تلوژیک و برنامه ای خود را با طرح آتیه انقلاب طرح کرده و بحث گذارند. بویژه آن محافل و گروه هاییکه حاضر بطرح و بحث وطنی و وسیع مسائل جنبش انقلابی نبوده و عملاً خود را بسکوت اید تلوژیکسی و سیاسی محکوم کرده اند، آنها را از درون جرگه ها و محافل سازمان های خویش بیرون آورند و بدین سان زمینه سلسله قوا برای تسریع فرایند وحدت اندیشه و عمل جنبش کمونیستی مینمان فراهم گردانند، تا جبریان تکوین و شکل گیری حزب مارکسیست - لنینیستی طبقه ی کارگر ایران شتاب بیشتر کند. ما باید بدانکه تنها با وحدت بخش بسیار کوچک از جنبش پهنای رویونیسم مینمان هستیم - امید - و این امید این اقدام ما برانگیزند بی ساری بخشهای جنبش کمونیستی ایران و افزایش تلاش خود برای هوار کردن اندین راه وحدت جنبش ما گردد. و ما بیگانگان آماد مایم تا تمامی امکانات و توانائی هر چند کم و ناچیز خود را در این راه مبارک اندازیم.